ماهنامه باغ نظر، ۱۵ (۶۹): ۲۸-۱۹/ اسفند ۱۳۹۷
DOI: 10.22034/bagh.2019.82305

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Reading glorification face and flattery in visual repercussion of the two artworks attributed to honored custom eulogy in Iranian culture
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

خوانش وجه استعلا و چاپلوسی در بازتاب تصویری دو اثر منسوب به مدیحه‌سرایی آیین بار فرهنگ ایران*

نسرین ستاری نجف‌آبادی[*1]، مرضیه پیراوی ونک [2]، زهره طباطبایی جبلی[3]، جلیل جوکار[4]**

۱. دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۲. دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۳. دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
۴. دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت : ۹۶/۱۰/۳۰ تاریخ اصلاح : ۹۷/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۶/۰۳ تاریخ انتشار : ۹۷/۱۲/۰۱

چکیده

علی‌رغم دیدگاه بسیاری از محققین که کنش مدیحه‌سرایی[1] آیین بار[2] فرهنگ ایران را برخاسته از کنش نکوهیده چاپلوسی[3] و مرتبط با کسب منافع مادی در بارگاه شاهان می‌دانند، به نظر می‌رسد نگاه رمزپردازانه‌ای در وجه استعلا[4] به معنای بالاترین سطح تقدس آیین بار جوامع کهن در بارگاه فرادستان حکومتی ایران، موجود بوده و - احتمالا- همین وجه رمزی و پنهان در نظام دیداری مانند آثار سنگ‌نگاره‌های باستانی و مکاتب نگارگری دوره اسلامی انعکاس داشته است. پژوهش حاضر ضمن بررسی تاریخی در مبانی نظری آیین بار، در پی پاسخ این پرسش است که با تطبیق دلالتی وجه استعلا و چاپلوسی در دو نمونه سنگ نگارهٔ دوره باستانی و نگارگری دوره اسلامی، چگونه می‌توان به خوانش وجه استعلایی در مدیحه‌سرایی آیین بار فرهنگ ایران پرداخت؟

بررسی و تبیین وجه استعلایی و تفکیک از چاپلوسی منسوب به مدیحه‌سرایی آیین بار، ضمن توجه به بازتاب تصویری آن در دورهٔ باستانی و اسلامی فرهنگ ایران همسو با بهره‌مندی از معنی دلالتی ضمنی[5].

بهره‌مندی از روش تحقیقی- تاریخی مبتنی بر شیوهٔ اسنادی در توضیح فرهنگ ایرانی مرتبط با کنش مدیحه‌سرایی آیین بار و خوانش بینامتنیتی[6] بر روی دو نمونه اثر براساس دستورهای نظام معنایی رولان بارت[7] به منظور تعبیر دلالتی استعلای سروده‌های ستایشی[8] در مبانی نظری به مثابه ایدئولوژی حاکم بر فرهنگ مدیحه‌سرایی آیین بار. براساس رویکرد بینامتنیتی در این تحقیق، در خوانش دو متن بینارشته‌ای از حوزهٔ سنگ‌نگاره‌های باستانی و نگارگری دوره اسلامی فرهنگ ایران، هر متن بر مفهوم احتمالی تقدس‌انگارانه‌ای تأکید دارد که با درک تکثر معنایی و نیز معانی دلالتی آن به زعم «بارت»، عناصر تصویری متن‌های منسوب به مدیحه‌سرایی در تفکیک با مفهوم چاپلوسی و تملق‌انگاری نظریه‌پردازان معاصر قرار می‌گیرد.

نتایج حاکی از آن است که برخلاف این دیدگاه که کنش مدیحه‌سرایی مرتبط با آیین بار موجود در بارگاه یا مکان‌های منسوب به شاهان ایران را برآمده از انگیزه‌های مادی، می‌داند، احتمالا کنش مزبور، دارای وجهی تقدس‌انگارانه، رو به سوی امر واحد مطلقی[9] به نام استعلا داشته است. دستیابی به چنین نتیجهٔ احتمالی با تحلیل تطبیقی نمونه آثار برجای‌مانده فرهنگی که همواره دارای زبان دلالتی ضمنی بوده و با گذر از صراحت و معنی مستقیم به معانی غیرمستقیم و تلویحی می‌رسیده، میسر است. چنانچه بارت در نظام دستورهای معنایی خود، سطح اول معنایی/ صریح را مقدمه ورود به سطح دوم/ضمنی دانسته تا بتوان به ایدئولوژی[10] حاکم بر فرهنگ برهه‌های تاریخی جوامع کهن رسید. بر این اساس، مدیحه‌سرایی آیین بار از دوره کهن تا عصر اسلامی در بستر فرهنگی ایران، جریان داشته و اسطوره یا ایدئولوژی حاکم بر آن با گذر از نگاه نکوهیده به مدیحه‌سرایان، ضمن توجه به وجه استعلایی که در زمان بروز سروده مدحی و مکان ظهور آن در برابر فرادست، مقدس انگاشته می‌شده، توانسته بر آثار خلق شده و مفهوم مرتبط با کنش مزبور در ادوار فرهنگی مختلف ایران، تأثیرگذار باشد و بازتابی از اسطوره تفکر هر دوره در پیوند با ادوار پیشین مدیحه‌سرایی آیین بار شاهان از آن آثار، به دست آید.

واژگان کلیدی: مدیحه‌سرایی آیین بار، چاپلوسی، وجه استعلایی، خوانش دلالتی ضمنی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نسرین ستاری نجف آبادی تحت عنوان «بررسی جایگاه مدیحه‌سرایی و آیین بار در فرهنگ ایرانی- اسلامی و بازنمود آن در نگارگری» است که به راهنمایی دکتر مرضیه پیراوی ونک، دکتر زهره طباطبایی جبلی و دکتر جلیل جوکار در دانشکده صنایع دستی دانشگاه هنر اصفهان، ارایه شده است.

** نویسنده مسئول : ۰۹۱۳۲۳۰۵۰۰۷ sattarinasrin@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

گذر از این دیدگاه که مدیحه‌سرایی را در معنی کلی خود با تکیه بر دلایل مادی«اغراق در وصف کسی» (مکنزی، ۱۳۸۸: ۱۷۸) می‌داند، دشوار به نظر می‌رسد. فرض استعلایی‌بودن کنش مزبور، شکل دیگری را مطرح می‌کند. با وجود نگاه تقدس‌گرایانه به شاه[۱۱] در فرهنگ ایران و تأکید بر نیروی ایزدی او (افهمی، جوانی و مهرنیا، ۱۳۹۶: ۶۰)، اولین نشانه‌های رسمی مدیحه‌سرایی در بارگاه فرادستان حکومتی را می‌توان، مربوط به تمدن ایلام دانست (کامرون، ۱۳۶۵: ۵۶- ۸۲). هخامنشیان با برگزاری آیین‌های بارگاهی شاهان به شیوهٔ جدی و رسمی‌تری، همچنین کنش‌های ستایشی که با حضور دائمی و به دست کاهنان در بارگاه فرادست حکومتی به انجام می‌رسید (برایان، ۱۳۷۷: ۳۸)، عامل تداوم این کنش شده به شکلی که با گذر از دورهٔ اشکانی، مورد الگوبرداری کلیشه‌ای آیینی در دورهٔ ساسانیان بوده که یکی از نمونه تصویری آن، مورد توجه در این تحقیق است. با بررسی تاریخ فرهنگی ایران در دورهٔ اسلامی و مطالعه بر روی نمونهٔ دیداری دیگری از فرهنگ مدیحه‌سرایی، این ایده، تقویت می‌شود که کنش مدیحه‌سرایی آیین بار شاهان، سلاطین و حتی امیران حکومت‌های دورهٔ اسلامی، از یک منظر، می‌توانسته در پیوند با کنش‌های ستایشی قبل از اسلام، قرار گیرد و احتمالاً نوع تفکر فرهنگی ادوار قبلی بر دورهٔ بعد از خود تا عصر قاجار و قبل از تحولات فرهنگی مشروطه[۱۲] که باعث افول آیین‌بار شده، تأثیرگذار باشد.

اصول احتمالی آیین‌بار جوامع کهن، اعم از زمان، مکان، شخصیت و کنش ستایشی- نیایشی مقدس و نیز تحلیل وجه دلالتی صریح یا ضمنی دو متن تصویری مرتبط با نقش برجسته‌های دورهٔ باستانی و حوزهٔ نگارگری فرهنگ اسلامی، گویای تأکید این پژوهش بر وجود صورتی از تقدس در بالاترین منزلت خود یعنی استعلا، جهت کنش مدیحه‌سرایی آیین‌بار شده است. بر این اساس در این فرایند فرهنگی، بروز و ظهور کنش ستایشی- نیایشی در وجه سروده/سرایش است. این واژه می‌تواند با ایزد سروش که هم در نیایش‌ها و سرودهای مردمان ایران باستان جای داشته و هم خدایی است که نیایش‌ها را به بهشت منتقل می‌کند، مرتبط باشد. معانی دیگر آن، فرمانبرداری و اطاعت، تجسم کلام قدسی و سرور مناسک دینی است (هینلز، ۱۳۹۱: ۷۵) که در مداومت خود تا دورهٔ اسلامی به سبب تسلط زبان عرب بر سرزمین ایران -که مورد پژوهش این تحقیق نیست- احتمالاً به واژهٔ مدیحه‌سرایی تغییر نام، پیدا کرده، همان مفهوم کهن، ستایش در تلفظ پارسی قدیم yasn, yaz است (شهزادی، ۱۳۸۳: ۲۱۹) و آفرین در تلفظ پارسی قدیم به معنیِ دعا afrin (همان) و واژگانی از این دست دارد. احتمالاً شخصیت مدیحه‌سرا با داشتن چنین موهبتی در وجه سخنوری سروده‌های رمزپردازانه که با نگاه استعلایی جمعی بر آن تأکید می‌شده، از خاصان بارگاه شاهی بوده است و همواره در شکلی از فرادستان مذهبی یا مرتبط با آنان به انجام کنش فرهنگی مدیحه‌سرایی – چه جمعی و چه فردی حاضر در جمع- می‌پرداخته است و مدح او نیز از اهم امور مقدس مرتبط با تجلیات استعلا بوده است.

پیشینهٔ تحقیق

در نگاه اول، تعاریف متعددی به مثابه پیشینه برگرفته شده از حوزهٔ ادبیات، همسو با این دیدگاه وجود دارد که انگیزه خلق آثار مدحی را علی‌رغم اشاره به قدمت آن در معنی ستایش مظاهر طبیعت، اما با بروز و ظهور کنش‌های متملقانه در بارگاه شاهان در پیوند قرار می‌دهد (وزین‌پور، ۱۳۷۴: ۱۱) یا قدمت کنش مذکور را مربوط به دوران اسلامی و «سرچشمه گرفته از مدح اعراب دوران جاهلیت که دارای زبان و درخششی دروغین بوده» (فلاحی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) می‌داند. بر این اساس انگیزهٔ چاپلوسی در شکل شعر مدحی خود به مواردی مانند«امرار معاش و کسب جایگاه اجتماعی معتبر» (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)، پیوند دارد یا به سبب انگیزه‌های صرفاً سیاسی فرادستان (رزمجو، ۱۳۷۰: ۷۱) و نهایتاً با اشاره به این مطلب در فرهنگنامه‌ها که مدیحه‌سرایی می‌توانسته براساس یک«ارادت خصوصی بین شاه و شخصیت مدیحه‌سرا» (انوشه، ۱۳۷۵: ۷۹۳) باشد، نتیجه‌گیری مبهم جامعه‌شناختی، صورت می‌گیرد. این نوع دیدگاه تبعا می‌تواند به مثابه پیشینه معنی آثار دیداری باریابی به محضر شاهان که دارای اشارات تصویری مدیحه‌سرایانه بر مبنای کنش نکوهیده تملق و چاپلوسی و یا حتی هیچ‌گونه موضع‌گیری، نیز باشد. اما بر پایهٔ نگاه دوم که پیشینهٔ این تحقیق در نظر گرفته شده، نظرگاه محققینی مانند «فردریک چارلز» کاپلستون است که بر امر واحد یا مقدس‌ترین تأکید دارد و متوجه کنش‌های جمعی کهن است (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۴۱)، همچنین دانیل بیتس بر عملکرد آیینی جهت تحکیم استحکامات اجتماعی جوامع ابتدایی تأکید دارد (بیتس، ۱۳۸۹: ۷۱۰).

«میرچا الیاده» نگاه جمعی را در مواردی مانند آیین‌هایی که در کاخ شاهان دورهٔ کهن در زمان‌های مخصوص با حضور فرادستان مذهبی با همراهی افراد مذهبی

سروده‌خوان به صورت کنش‌هایی مانند ستایش به انجام می‌رسیده، شریک‌شدن در جوهره هستی[۱۳] می‌داند (الیاده، ۱۳۸۹: ۴۹). بنابراین در بررسی تاریخی این نظرگاه‌ها به مثابه پیشینه تلویحی مدح، آنچه «جرج کامرون» از آیین‌های جمعی ستایشی- نیایشی مؤمنین به همراهی فرادست حکومتی در تمدن ایلام برشمرده (کامرون، ۱۳۶۵: ۵۶) و «ایگور میخاییلویچ دیاکونوف» در مورد ستایش نیاکان فرادستان حکومتی و مذهبی مادها بر آستانهٔ گور دخمه‌ها به آن اشاره داشته (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۴). می‌توان نویسندگان ایرانی، همچون سیروس شمیسا که با اشاره به ریشه‌داشتن مدح شاه در اذکار و اوراد کهن (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۵۶)، همچنین محمد جعفر محجوب با نظرگذرای یکی خواندن مدح و ستایش در مفهوم کنشی نیکو و این‌که خواندن ستایش‌نامه‌های قدیم، باید بدون پرداختن به ذهنیت نکوهیدگی احتمالی در باب ممدوحان انجام شود (محجوب، ۱۳۷۸: ۴۰) را به تحلیل‌های این تحقیق نزدیک‌تر دانست. در مقایسه بین دو نظرگاه و ضمن تحلیل بینامتنیتی دلالتی منطبق با دستورهای نظام معنایی بارت بر روی دو نمونه تصویر؛ یکی سنگ‌نگاره «بارگاه بهرام دوم ساسانی[۱۴]» و دیگری، نگاره دورهٔ اسلامی«بازگشت برزویه منشی به نزد خسرو انوشیروان[۱۵]»، از نظرگاه اولیه، نگاه صریح با معنی مستقیم به ذهن متبادر می‌شود که با تقویت ایده استعلایی‌بودن کنش مدیحه‌سرایی آیین‌بار در نظرگاه دوم - با فرض یکسان‌بودن زیرساخت فرهنگی ستایش‌های باستانی و مدح دورهٔ اسلامی- در تقابل است گر چه باید به این نکته از حوزه بینامتنیت توجه داشته که نباید هیچ‌گونه تفسیر و تأویل را قطعی دانست (آفرین، ۱۳۹۰: ۵۵ و ۶۴). براین اساس مقاله حاضر بر نظرگاه دوم یعنی؛ ایده احتمالی استعلایی‌بودن سروده‌های ستایشی/ مدحی که منجر به بازتاب‌های تصویری در نظام دیداری شده، پرداخته است.

مبانی نظری

بنیان‌های مربوط به تجلیات امر استعلا در کنش مدیحه‌سرایی آیین بار که در پژوهش به آن پرداخته شده با بیان فرهنگ مدیحه‌سرایی ایرانی- اسلامی در این پژوهش پیگیری شده است. در کنار بنیان‌های تجلی استعلایی که عبارتند از: ۱- زمان مقدس در بین اقوام کهن دارای جایگاه خاص اسطوره‌شناختی بوده است (گودرزی، حسینی‌مؤخر و روزبه، ۱۳۹۵: ۲۲۴و۲۲۶). زمان بار مانند ستایش بهار و نوروزگان، ستایش شروع حکومت با تاج‌گذاری، ستایش ارواح نیکان، ستایش اهورامزدا، دیدار با فرادست حکومتی به جهت کسب اجازه یا انجام هر امری که با حکومت ارتباط‌دار بوده که امری مقدس جلوه می‌کرده است (بهار، ۱۳۷۴: ۲۲۱). ۲- مکان مقدس همواره مورد توجه دین‌های باستانی و اقوام کهن بوده است (محسنیان‌راد و باهنر، ۱۳۹۰: ۴۰- ۴۱). مکان بار که شامل معبد و نیایشگاه، گوردخمه، کاخ تشریفاتی باردهی و باریابی و کاخ‌هایی که قسمتی از آن مانند باغ، مخصوص آیین بار بوده و احتمالاً به جهت ارتباط با عالم استعلایی در نظر جمع حاضر کاملاً تقدس یافته، بوده است (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۸۱و۳۸۵). ۳- شخصیت فرادست حکومتی که شامل: یزته‌ها یا ایزدان به معنی موجودات پرستیدنی و ستودنی می‌شود. در رتبه اول اهورامزدا، سپس مهم‌ترین الهگان و ایزدان نظیر؛ مهر، ناهید، بهرام که هرکدام سرود ستایشی مخصوص به خود داشته (هینلز، ۱۳۹۱: ۷۸) و شاه، سلطان، امیر و یا حتی حاکم محلی در دورهٔ اسلامی که همه این شخصیت‌ها با حضور دائمی فرادست مذهبی در بارگاه و آیین مرتبط با آن وجه تقدس‌گرایانه، پیدا می‌کرده‌اند. ۴- فرض بنیادین دیگر کنش ستایشی- نیایشی در وجه سروده، می‌تواند در نظر گرفته‌شود. کنش مزبور از جانب افرادی همچون، شاه برای موجودات پرستیدنی و ستودنی (همان)، در رتبه‌های بعدی؛ شاه کاهن و شاهان دورهٔ کهن با حضور دائمی کاهنان در بارگاه حضور داشتند (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۵و۴۹). به تدریج، فرادستان مذهبی به جهت شاه در محضر خدا یا خدایان در دورهٔ باستانی (همان) و دبیران یا منشیان و شاعران مدیحه‌سرا دورهٔ اسلامی، در بارگاه شاهان/ فرادستان حکومتی به انجام می‌رسیده (جاحظ، ۱۳۹۲: ۳۱و۶۴) و مجموعه موارد می‌تواند به مثابه اموری در نظر گرفته شوند که جهت بازتاب تصویری وجه استعلایی به زبان استعاری آثار فرهنگی، بروز و ظهور، پیدا کند. این فرایند معنایی تصویری در تحلیل بینامتنیتی از نظام دیداری آثار فرهنگی ایران براساس دلالت ضمنی و تفکیک آن از نظریه‌پردازی مبتنی بر دلالت صریح معنایی در پژوهش حاضر، میسر شده است.

روش انجام پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیقی- تاریخی که بر شیوهٔ اسنادی مبتنی است، مدنظر بوده و خوانش بینامتنیتی با تکیه بر اصل درک تکثر معنایی متن‌های تصویری انتخاب شده از دو دوره است. عصر باستانی ساسانیان که هنر آن از نظر مفهومی، آمیختگی محسوسی با حوزه دین داشته (موسوی کوهپر و یسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۳) و دورهٔ اسلامی جلایریان که از نظر خلق آثار فرهنگی، بیشتر از مکاتب نگارگری قبل از خود، تحت تأثیر فرهنگ کهن ایران قرار

داشته است (کنبی، ۱۳۹۱: ۴۴ و ۵۰).

یافته‌ها

برای پرداختن به یافته‌ها و تحلیل آن براساس تطبیق نمونه‌های نظام دیداری در این تحقیق، گذری بر فرهنگ مدیحه‌سرایی در ایران به مثابه مقدمه در نظر گرفته شده است.

فرهنگ مدیحه‌سرایی ایرانیان

گرچه به‌طور قطعی از دورهٔ خاصی مرتبط با فرهنگ کهن ایرانیان، نمی‌توان پیوند میان مدیحه‌سرایی و آیین بار را پیگیری کرد اما آنچه از شواهد بر می‌آید ناظر بر این است که در تاریخ فرهنگی ایلام، انجام آیین‌های بار به منظور ستایش خداوند در برابر فرادست حکومتی و دادن نذر و قربانی، معمول بوده، زیرا فرادست به‌عنوان موجودی مقدس و قدرتمند که نماینده خدا، فرشته یا امیر توانای خدایان بوده، مطرح است. این برنامه به‌طور جدی و رسمی در روزهای مهم و ایام جشن در مکان‌هایی مانند نیایشگاه‌ها و فقط با حضور جمعی از مؤمنان دارای مهارت سروده‌خوانی در وجه ستایش نیایشی به انجام می‌رسیده (کامرون، ۱۳۶۵: ۵۶ و۸۲) که نمونه‌های تصویری احتمالی آن در مکان‌هایی شبیه نیایشگاه‌های صخره‌ای کول فره، موجود است (دادور و برازنده حسینی، ۱۳۹۲: ۲۹). اگر چه اطلاعات پژوهشی در مورد فرهنگ مادها به دلیل شباهت بسیاری که با فرهنگ هخامنشیان دارد، اندک است اما آداب دربار شاهی، نشانگر اجتماع پارسی مذهب و قدرت حکومتی کاهنان در قوم ماد بوده به شکلی که گاه فرادست حکومتی از بین فرادستان مذهبی انتخاب شده و شاه کاهن نامیده می‌شده است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۴). معمولاً نیایش ستایشی این قوم در مکان‌هایی مانند گور دخمه‌ها موجود است که از جمله تصاویر احتمالی آن می‌توان تصویر سردر گور دخمه قیزقاپان در عراق را نام برد.

در آیین بار عام جشن نوروزگان تمدن هخامنشی، بزرگان و نمایندگان اجتماعی، همچنین سفیران ایالت‌های حکومت هخامنشی به حضور شاه رسیده و ضمن انجام آداب آیین مذکور، هدیه پیشکش می‌نمودند (برایان، ۱۳۷۷: ۳۸۰). در این‌گونه مراسم که قبل از شروع، فرادست آیین زرتشتی، طی یک برنامه اختصاصی نیایش ستایشی در برابر شاه به انجام می‌رسانیده (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳)، بازار کنش‌های ستایش‌گرانه در برابر شاه به شکل سروده‌خوانی و همراه با خنیاگری در جریان بوده است (کخ، ۱۳۷۸: ۶۰ و۶۱). در تمامی این مراحل، فرادست مذهبی در کنار فرادست حکومتی به امر نظارت بر این‌گونه کنش‌ها که غالبا کنشگرانش از ردیف کاهنان و متعلمین دست‌پرورده آنان بوده‌اند، اشتغال داشته است (برایان، ۱۳۷۷: ۳۸۵و ۴۶۵). در بازنمود تصویری مراسم آیین بار مرتبط با تمدن هخامنشی در تخت جمشید (دادور و برازنده حسینی، ۱۳۹۲: ۳۰) نیز، کنش‌های ستایشی در وجه نیایشی، بنابر احتمال، موجود است.

در انواع مراسم آیین بار اشکانی مانند تفویض مقام شاهی، غیر از سپاس و دعاگویی سروده‌خوانان ستایشی در برابر خدایان، ستایش شاه برای خدایان نیز معمول بوده است. گاهی اوقات خدایان نیز در شمایل انسانی بر روی صخره‌های مرتبط با نیایشگاه‌ها حک می‌شده‌اند (کالج، ۱۳۸۰: ۱۴۱). بازشناسی کنش ستایشی- نیایشی مربوط به تمدن پارت، علی‌رغم تمامی پراکندگی جغرافیایی خود مانند تنگ سروک، قابل تشخیص به نظر می‌رسد (دادور و برازنده حسینی، ۱۳۹۲: ۳۰۵).

در فرهنگ ساسانی، غیر از طبقه‌بندی اجتماعی، مدیحه‌سرایان نیز در دسته‌های متنوع به انجام کنش ستایشی در آیین بار می‌پرداخته‌اند (جاحظ، ۱۳۹۲: ۳۲). حضور دائمی فرادستان مذهبی را در انواع سنگ‌نگاره‌های ساسانی که مرتبط با آیین بار و کنش مدحی باشد، می‌توان مشاهده کرد، اما حضور کنشگران ستایشی- نیایشی روحانیت زرتشت که بالاترین مقام آنها دارای سرپوش قیچی‌نشان مخصوص بوده، مربوط به زمان‌های خاص مانند امر تاج‌گذاری پادشاه است که نمونهٔ احتمالی آن در تصویر آیین بار بهرام دوم در سراب، موجود است. در واقع موبدان در همه امورات کشوری و لشکری دخیل بوده‌اند و در محضر شاه حضور دائمی داشته‌اند (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۸۴،۸۵). سنت‌های کهن فرهنگی از تمدن‌های قبل از اسلام نیز با پیوستگی به فرهنگ دورهٔ اسلامی، تداوم پیدا می‌کند (بنی سلیم، ۱۳۸۷: ۹).

در اوایل دوران اسلامی که اصطلاحاً دورهٔ هنر حماسی و رونق کلام منظوم است، شاید مدیحه‌سرایی و مکتوب‌کردن آن و اجرا به همراهی موسیقی یا بدون آن ریشه در سروده‌های گاثاها[۱۰] داشته و به مثابه هنر اخلاقی فرهنگ ایران محسوب می‌شده، وضوح بیشتری پیدا می‌کند (خاتمی، ۱۳۹۰: ۲۶۹، ۲۷۰) به شکلی که به نظر می‌رسد روحانیون زرتشتی به همراه بزرگ‌زادگان ایرانی تأثیر به سزایی در انتقال آداب فرهنگی و موضوعات ادبی به دورهٔ اسلامی داشته‌اند (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۴۹، ۶۰). در حکومت‌های این دوره مانند؛ غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان[۱۷] که تأثیر پذیرفته از فرهنگ غنی سامانیان[۱۸]، صفاریان[۱۹]و طاهریان[۲۰]بوده، مراسم آیینی

بارگاهی با آداب مفصل به اجرا درآمده است. برای مثال در دورۀ غزنویان حضور گروه‌های مدیحه‌سرا و خلق آثار منظوم مدحی از رونق چشمگیری برخوردار بوده است (پویان و مسیبی، ۱۳۹۲: ۷۷) به شکلی که شخصیت مدیحه‌گو و مدیحه‌سرا در مقام عالمان سخنور یا در مقام دبیران ظریف‌گو، خنیاگران، شاعران مدحی و حتی غلامان خاص، جزء ملازمان دائمی شاه، سلطان و امیر، محسوب می‌شده‌اند (باسورث، ۱۳۶۴: ۹۵و ۹۹). در دورۀ ایلخانان که شکل‌گیری هنر عرفانی نگارگری، مشهود است (خاتمی، ۱۳۹۰: ۲۶۹، ۲۷۰). در حکومت‌های وابسته به آن مانند جلایریان با رونق‌داشتن هنرهای درباری، شعر بارگاهی با مضامین فرهنگی کهن نیز جایگاه والایی داشته و وابسته به آن، نگارگری به انجام می‌رسیده است (کنبی، ۱۳۹۱: ۴۶ و ۴۹).

در حکومت تیموریان، غیر حضور مدیحه‌سرایان در قالب شخصیت‌هایی مانند عالم و دبیر، شاعران مدیحه‌سرا نیز جزء بزرگان و ملازمان رکاب شاهی بوده و به سبب دریافت صله و عطا از طرف فرادست ممدوح خود، دارای تمکن مالی خوبی بوده‌اند (ستوده، ۱۳۵۲: ۱۶۸و ۱۶۹). به نظر می‌رسد که این تحولات درباری به‌طور مرتب در نظام دیداری نگارگری، بروز و ظهور، پیدا کرده است (کنبی، ۱۳۹۱: ۶۱).

مدحت‌گویی و مدیحه‌سرایی صفویه، شامل انواع تقدیم‌نامه‌نویسی، آداب تاج‌گذاری و منظومه‌های حماسی در ستایش پهلوانان و قهرمانان اسطوره‌ای بوده که در ارتباطات بین مدیحه‌سرایان عالم و خطیب، دبیران سخنور و شاعران مدیحه‌سرا با دربار سلاطین صفوی در رونقی هرچه تمام‌تر و با حفظ جایگاهی مخصوص در بارگاه فرادست خود به انجام می‌رسیده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۴۹، ۱۶۰). البته این دوره، شاهد رونق جدی مدیحه‌سرایی اهل بیت نیز است (طهماسبی، ۱۳۸۹: ۱۴۹و ۱۵۰) که هر دو مضمون کهن و اسلامی شاهد بازتاب تصویری است (کنبی، ۱۳۹۱: ۸۰ و ۹۳) و احتمالاً کنش مدح در نزد فرادست، بوده است.

آداب آیین بار زندیه با رنگ و بویی ساده و در عین حال بدون تقیدات مذهبی اسلامی و البته با جدی‌دانستن این آیین کهن، همچنان بر پا بوده است (رجبی، ۱۳۵۲ : ۱۳۵و ۱۷۴).

دربار قاجاریه با انجام آیین‌های بار مفصل و با اصرار بر بازگشت آداب فرهنگی کهن، مطرح بوده است (قدیانی، ۱۳۸۴: ۳۳و۵۷). در این دوره، آیین بارگاهی پر از تشریفات و مدح‌های مفصل را می‌توان دید (شانظری، ۱۳۸۷: ۳۸۵و۳۸۶) که بازتاب تصویری آن با نفوذ شیوه‌های هنر اروپایی و خارج از حوزۀ نگارگری سنتی، همراه است (علی‌محمدی اردکانی، ۱۳۹۲: ۶۸).

یافته‌های تصویری مدیحه‌سرایی احتمالی و خوانش دلالتی آن

آثار فرهنگی مرتبط با مدیحه‌سرایی آیین بار در ایران می‌تواند، در دو شکل متفاوت با کنش نکوهیده چاپلوسی از یک‌سو و از سوی دیگر با امر بنیادین استعلا و تقدس‌انگارانه در یک تحلیل بینامتنیتی تصویری، منطبق شود. در جدول ۱، روابط معنایی حاکم بر مدیحه‌سرایی آیین بار در ارتباط با فرهنگ ایران در دو نمونه متن تصویری سنگ‌نگاره و نگارگری ادوار تاریخی باستانی و اسلامی ایران با توجه به زمان، مکان، شخصیت و کنش ستایشی یا مدیحه‌سرایی در معنی دلالتی براساس دستورهای نظام معنایی «رولان بارت»، تحلیل شده است.

بحث

با توجه به تحلیل بینامتنیتی مصادیق تصویری موجود، می‌توان مباحث دلالتی مدیحه‌سرایی آیین بار فرهنگ ایران در نگاره‌های مزبور را به منظور تشخیص و تفکیک دو وجه احتمالی استعلا و چاپلوسی در کنش مزبور به صورت زیر بیان کرد:

یکی از خوانش‌های موجود در تحلیل تصاویر مربوطه، توجه‌داشتن به نشانه‌های ظاهری کنش‌های ستایشی در مکان حضور فرادست حکومتی است. تملق و چاپلوسی در کنش مزبور می‌توانسته جهت کسب منافع مادی باشد (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این نگاه می‌تواند با توجه به سطح دلالتی صریح معنی متن در خوانش مصادیق تصویری مرتبط با آیین بار و توجه به دیدگاهی باشد که براساس آن «امر تظاهرگرایی، قالب کنشی در مدیحه‌سرایی بارگاه شاهان ایران در ادوار مختلف است» (وزین‌پور، ۱۳۷۴: ۱۱) و به امر تقدس‌گرایی کهن یا توجهی نمی‌شود یا در ضعیف‌ترین احتمال به آن پرداخته می‌شود. احتمالی که براساس – صرفاً- ارادت خصوصی بین شاه و مدیحه‌سرا بوده است (انوشه، ۱۳۷۵: ۷۹۳).

وجه دیگر خوانش یا سطح دوم معنایی، دقت در معنی تلویحی اثر است که در این تحقیق براساس نظریات پراکنده برخی محققین که رده‌بندی شده و در قالب اصول آیین بار و نیز توجه به امر مقدس در بالاترین سطح تبیین می‌شود. به زعم برخی محققین – استعلا- یعنی مقدس‌ترین امور در والاترین نقطه مرکزی جهان (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۴۱و۶۱). در این معنی، مصادیق تصویری منسوب به مدیحه‌سرایی از یک سو دارای اشاره به سمت جایگاه استعلایی خدایان، الهگان و والاترین

جدول۱. تحلیل بینامتنیتی نگاره‌ها براساس دستورهای نظام معنایی بارت. مأخذ : نگارندگان.

دستور/ سطح اول نظام معنایی			
۱-دال صریح			
زمان	مکان	شخصیت فرادست/شاه	کنش ستایشی/ مدیحه‌سرایی، کنشگر ستایشی
تصویر۱، (دادور و برازنده حسینی ۱۳۹۲: ۴۱۷)	تصویر۱/۱	تصویر۱/۲	تصویر۱/۳
تصویر۲ ، (Istanbul University library, 1422: 98)	تصویر۲/۱	تصویر۲/۲	۲/۳

۲-مدلول صریح

در هر زمانی که فرصت رسیدن به نزد فرادست/ شاه، فراهم است. در مکان حضور فرادست که می‌تواند کاخ یا عمارت دیگری باشد. رسیدن به حضور فرادست حکومتی/شاه در قالب هر نوع دیدار میسر است. کنشگر یا کنشگران ستایشی در حال انجام ستایش هستند.

۳-نشانه صریح (معنایی برخاسته از ترکیب دال صریح و مدلول صریح که در سطح اول نظام معنایی بارت قرار دارد)

مراسمی در یک مکان خاص با حضور فرادستی در حال انجام است که اطرافیان را وادار به انجام کنشی با دست رو به مرکزیت مراسم که فرادست، حضور دارد، کرده است. به نظر می‌رسد برخی اطرافیان فرادست/ شاه، بیش از بقیه حاضران، اصرار بر انجام کنش دارند یا بنا به دلیلی خود را وادار به انجام این امر در حالتی از اغراق می‌بینند که می‌تواند با نظر مخاطب، هر دلیلی داشته باشد.

دستور دوم نظام معنایی

۱-نشانه صریح دستور اول و ۲-دال و ۳-مدلول متوارد شده به ذهن:

تداوم انجام چنین آیینی را به سبب برخورداری از غایت تقدس‌گرایانه، مانند «انواع دیگر آن جهت استحکام اجتماعی جوامع ابتدایی» (بیتس، ۱۳۸۹: ۷۱۰)، می‌توان ضروری دانست و آن را«فرایند همراهی جمعی انسان‌ها با امور مقدس» (الیاده، ۱۳۸۸: ۱۲۳) تصور کرد. فرایندی که در بالاترین مفهوم خود، واحد مطلق مقدسی به نام استعلا نامیده‌می‌شود. در واقع، استعلا؛ حرکت مفهومی از کثیر به سوی مقدس‌ترین در جهان که وحدت‌بخش همه چیز باشد و از دید مردم جامعه کهن به طور پیوسته در معرض تجلی و ظهور کثرات، قرار داشته، معنی می‌شود (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۴۱). «در فرهنگ ایران نیز پذیرش این ذات استعلایی همواره جزء تفکیک‌ناپذیر حیات فردی و جمعی به شمار می‌رفته است» (فکوهی، ۱۳۷۷: ۱۹- ۲۰). بنابراین به یک تعبیر، حاضران در آیین بار، همواره کوشیده‌اند تا از طریق تجلیات مقدس‌ترین امر به ارتباط سودمند با اصل استعلا بپردازند و این سود پیوسته، متوجه تقویت و تحکیم نظام اجتماعی است (الیاده، ۱۳۸۹: ۲۴). حاضر شدن در مکانی مانند نیایشگاه‌ها، کاخ شاهی و باغ متصل به آن، همچنین برگزاری آیین مزبور در زمان‌های خاص سالانه، ماهانه، هفتگی و روزانه و نیز فرادستی که واسطه تجلی امر استعلا در آن زمان و مکان باشد و بروز و ظهور کنش‌های رفتاری- گفتاری از اهم اصول آیین بار و تجلیات امر استعلایی تصور می‌شود. در دیدگاه جوامع ابتدایی، آغاز و انجام سال‌ها، فصول، ماه‌ها، هر هفته و هر روز خاص، می‌تواند مدخل ورود به یک زمان کهن یا ازلی با شد که با انجام آیین مربوط به آن زمان خاص،پیوند مینوی با امر استعلایی برقرار شود (بهار، ۱۳۷۴: ۲۲۱- ۲۲۲). آیین مربوط به زمان‌های مزبور در مکان خاصی باید برگزار شود که یا در نیایشگاه‌های صخره‌ای و یا در کاخ شاهی این امر میسر می‌شود. احتمالا یک دلیل آن، تصور معبد یا کاخ به مثابه یک نقطه مثالی از مرکزیت استعلایی آسمانی بر روی زمین است (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۸۱). با این دیدگاه که در فرهنگ ایرانی، هماهنگ با فرهنگ جوامع کهن «ارتباط با جهان ازلی و حضور در ساحت قدسی با برپایی مکان‌های مقدس، میسر می‌شده»(مددپور، ۱۳۷۸: ۶۵)، کاخ شاهی نیز در فرهنگ ایران، قداست داشته‌است. اصل سوم از آیین بارگاهی، وجود شخص فرادست حکومتی است که در جامعه ابتدایی با تشکیلات مرکزی، این شخص دارای لقب شاه بوده و در بالاترین مقام خود به خدا اشاره دارد. «مقامی که می‌تواند به دلیل عدم رویت خداوند، آشکارا در یک شخص که برترین در جامعه است، تجلی کند» (همان : ۲۲). این شخص تجلی کننده امر استعلایی که با همراهی فرادستان مذهبی، واسطه اتصال مینوی امر استعلایی با مکان و زمان مقدس است، همواره در رأس حکومت بوده و در یک وضعیت حرمت دائمی مذهبی، قرار دارد (همان : ۳۵-۴۹). کنش ستایشی در وجه سروده نیایشی نیز اصل مهمی از آیین بار بوده که در وجه رمزگان به مثابه امری مقدس به اجرا درمی‌آمده است (همان : ۷۲- ۷۳). این کنش باید با حضور مستمر فرادستان مذهبی یا کنشگران ستایشی، مخصوصا در دوره ساسانیان که تحت تعلیم و نظارت فرادست مذهبی بوده‌اند به انجام می‌رسیده است. اصولا همه برنامه‌های مربوط به دربار از «تعلیم ولیعهد گرفته تا تعلیم هنر سخنوری برای برخی نوجوانان به تکلیف رسیده، با نفوذ دائمی فرادستان مذهبی، مطابق با تعلیمات زرتشتی، اعمال می‌شده‌است» (حسینی دهشیری و اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۰- ۱۳۵). موارد مطرح شده به مثابه عناصر فرهنگی کهن با تاکید بر «پیوند و استمرار فرهنگی و تمدنی باستان ایران تا دوره اسلامی» (بنی سلیم، ۱۳۸۷: ۱۷)، می‌تواند شامل مدیحه‌سرایی در معنی ستایش نیز باشد که در عصر خلفا با تاکید بر آن ضمن برشمردن اصولی از آیین های بار ساسانی (جاحظ، ۱۳۹۲: ۳۳)، همچنین به مثابه آداب شاهی، رسم خنیاگری و شاعری (وشمگیر بن آل زیار، ۱۳۹۰: ۱۸۹- ۱۹۳)، مطرح بوده است.

نشانه متوارد شده به ذهن/ ایدئولوژی

کنش ستایشی در وجه سروده/ مدیحه‌سرایی که در تمامی آیین‌های بار شاهی فرهنگ ایران تا اوایل دوره قاجاریه و قبل از عصر مشروطیت به اجرا درمی‌آمده – هرچند با ظاهر فرمایشی و تشریفاتی- می‌توانسته با نگاه استعلایی در ستایش‌های جامعه کهن، مرتبط باشد.

مقدسین کهن پرداخته‌اند که در اتصال با جایگاه زمینی – احتمالاً از همان نوع- است (الیاده، ۱۳۸۹: ۴۹ و۳۸۱)، از سوی دیگر تأکید حضور در بارگاه بر زمانی است که انجام آیین، مدخلی بر زمان کهن و جاودان شده و برگزارکننده کنش آیینی از نو به نو شدن، تولد دوباره، جاودانگی و انواع برکت‌های زمینی با منشأ آسمانی، بهره‌مند می‌شود (بهار، ۱۳۷۴ : ۲۲۱و ۲۲۲). امر مهم دیگر وجود شخصیت فرادست حکومتی یا شاه در مشخص‌ترین جایگاه مصادیق تصویری است که به سبب واسطه‌بودن در اتصال جمع حاضر با امر استعلا و مرکزیت تقدس‌انگاری اجتماعی کهن (الیاده، ۱۳۷۹: ۲۲)، مورد توجه در برگزاری کنش‌هایی نظیر ستایش در وجه نیایش است.

در دو نمونه تصویری مرتبط با فرهنگ کهن ایران تا دورۀاسلامی در این تحقیق، ضمن تأکید بر وجه دوم خوانش دلالتی یعنی، دلالت ضمنی که از دستورهای نظام معنایی بارت گرفته شده، سعی بر این تبیین است که کنشگران ستایشی حاضر در آیین بار، برترین شخصیت‌ها در بین مردم جامعه کهن و دورۀ اسلامی با همان ویژگی فرهنگی تقدس‌انگاری در نظر گرفته شوند. در هر نگاره، کنشگر ستایشی در لباس ظاهری فرادستان مذهبی یا منتسب به آنان به نظر می‌رسد که ذوق و استعداد خاص خود را به مثابه یک تکلیف آیینی در جهت پیونددادن جمع حاضر و بالاتر از آن، تمامی اجتماع زمانه خود با امری فرا زمینی در غایت تقدس به کار می‌برد (حسینی دهشیری و اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۴و ۱۳۵) . بنابراین در احتمال جدی‌تری می‌توان ریشه‌داشتن مدح در اذکار و اوراد کهن (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۵۶) را برای مصادیق تصویری منسوب به کنش مزبور در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

با ذکر نظریات پراکنده‌ای که در این تحقیق جمع‌آوری و به مثابه اصول آیین بار در نظر گرفته شد، همچنین بررسی تاریخ فرهنگی مدیحه‌سرایی که در بارگاه فرادستان ایرانی از دورۀ باستانی تا ادوار تاریخی اسلامی در جریان بوده و ضمن تحلیل بینامتنیتی نمونه‌های منتخب از نظام دیداری منسوب به مدح، می‌توان به این نتیجه رسید که؛ در طی برگزاری مراسم آیین بار و در پیوند با سه اصل زمان، مکان و شخصیت فرادست حکومتی، یک امر مهم دیگر وجود داشته و آن ارتباط کنشی برخی یا تمامی کنشگران آیین بار و نوعی کنش خاص گفتاری در وجه سروده در برابر شاه بوده است. بر این اساس جهت تحلیل مصادیق تصویری دورۀ باستانی و دورۀ اسلامی، با گذر از این نظریه که مدیحه‌سرایی را درخششی دروغین و تظاهرگرایانه در بارگاه شاهان دانسته و کسب منافع مادی، موقعیت‌های اجتماعی و درباری و حتی ارتباط خصوصی بین شاه و مدیحه‌سرا را مهم‌ترین دلایل خلق آثار کثیر منسوب به مدح در نظر گرفته است، در تعبیری نو و براساس تبیین اصول آیین بار که منطبق با سطح دلالتی ضمنی بارت قرار گرفت، کنش مدیحه‌سرایی آیین بار را دارای یک وجه پنهان، تلویحی و غیر مستقیم باستانی دانسته شده که با امر تقدس‌گرایانه‌ای در وجه استعلا، مرتبط بوده و مانند دیگر اصول آیین بار شامل ستایش‌هایی می‌شده که به جهت اتصال مینوی با امر مطلق مقدس، در قالب سروده‌های رمزپردازانه به انجام رسیده است. بنابراین می‌توان بازتاب‌های مدحی تصاویر را سوای از معنی دلالتی صریح خود مبنی بر به تصویرکشیدن کنش تملق در برابر فرادست حکومتی، اصلی در نظر گرفت که شکل دیداری حضور هر چه با شکوه‌تر در آیین بارگاه فرادستان را با تأکید جدی بر شریک‌شدن در جوهرۀ هستی، بهره‌مندی از زمان بی‌نهایت ازلی و اتصال به مکان حضور امر استعلا در بالاترین حد ماورایی زمین در قالبی از سروده‌های ستایشی- نیایشی به نمایش می‌گذاشته است. به یک بیان، اسطوره یا ایدئولوژی حاکم بر مدیحه‌سرایی آیین بار فرهنگ ایران و بازتاب تصویری آن با بهره‌مندی از زبان دلالتی، نه تنها تملق و چاپلوسی نبوده بلکه کنشی در وجه ستایشی- نیایشی بوده که کنشگر ستایشی/ مدیحه‌سرای آیین بار به فراخور استعداد هنری و در هاله‌ای از توجه به تقدس زمانی، مکانی و شخصیت فرادست حکومتی زمانه خود به بروز و ظهور کنش سروده‌خوانی در وجه استعلایی می‌پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Eulogy

۲. honored custom ، این اصطلاح که از ترکیب دو مفهوم «آیینی‌شده» و «بار یافته» به دست می‌آید به معنی باردادن، بارجستن، اذن ورودگرفتن و شرفیاب‌شدن به حضور بزرگی برای امری است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۰۰۷)، بر این اساس آیین بار را می‌توان مراسم عمومی، رسمی الگودار و کلیشه‌ای دانست که کاملاً جنبه مذهبی دارد (بیتس، ۱۳۸۹: ۷۱۰).

۳. Flattery

۴. Heightened ، معین در فرهنگ لغت خود آن را «بلندی و رفعت» دانسته (معین، ۱۳۸۷: ۴۴) و فردریک کاپلستون امر استعلایی را واحد مطلقی می‌داند که همه چیزهای دیگر به لحاظ وجودی، وابسته به آن هستند و در معنایی کلی کثرات جهانی به منزله تجلیات و ظهور این واحداند (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۴۱، ۶۱). میرچا الیاده استعلا را در بالاترین حد تقدس در مکان مرتبط با فرادست حکومتی/ شاه در جوامع کهن، توضیح داده است.

۵. در وجه دلالتی که شامل«ارتباط بین دو یا چند متن، جهت درک

روابط درون متنی شده و به طور خاص، گذر از یک نظام نشانه‌ای به نظام نشانه‌ای دیگر را ممکن می‌سازد، جابه‌جاسازی معنا از نظامی به نظام دیگر نیز صورت می‌پذیرد» (Kristeva, 1980: 65 -69). این فرایند معنایی، علاوه بر سطح «دلالت صریح» با معنای مستقیم، بر سطح «دلالتی ضمنی» با معنای غیر مستقیم، تأکید دارد (Nichols, 1969: 145-146). در نظرگرفتن شکل‌گیری معانی ضمنی حول محور تقابل‌ها و تشابه‌های بنیادی به مثابه خط قاطعی بین معنی صریح و ضمنی است (سجودی، ۱۳۹۵: ۷۴). نهایتاً براساس دستورهای نظام معنایی بارت، علاوه بر دو سطح قبلی، سطح سومی با تعبیر ایدئولوژی حاکم بر دیدگاه جوامع در یک برهه تاریخی، مطرح است (نرسیسیانس، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۸).

۶. intertextuality ، نشانه‌شناسی به نام ژولیا کریستوا، اذعان دارد که در خلق متن‌های جدید، متن‌های دیگر نیز شرکت دارند (نامور مطلق،۱۳۹۰: ۱۲۶، ۱۴۰). رولان بارت ضمن تأثیرپذیری از کریستوا، تکثر معنایی متن به واسطه دلالت‌ها را جزء مهم‌ترین نظرگاه‌های خود، قرار می‌دهد (نکونام و نامور مطلق، ۱۳۹۶: ۵۰- ۵۳).

۷. Roland Barthes

۸. Praise, Eulogy

۹. The One

۱۰. به زعم بارت: «اسطوره»« myth».

۱۱. در ترجمهٔ لاتین«The King» گفته می‌شود. در فارسی کوی، کی مطرح است که بارها در اوستا ذکر شده و لقب شاهان بوده است. برخی از این شاهان مانند کی‌گشتاسپ به سبب حمایت از دین زرتشت مورد تمجید و ستایش در اوستا بوده‌اند (عربشاهی، ۱۳۸۳: ۱۱).

۱۲. علی اصغر حقدار در مقدمه«داریوش شایگان و بحران معنویت سنتی» از تبار پدیده روشنفکری که ضمن تحولات مشروطه، خود را در مواجهه با تمدن نو ظهور غرب دیده و در پی رشد و بالندگی، اما راه‌رفتن به سوی مدرنیته را نمی‌دانست (حقدار، ۱۳۸۲: مقدمه) سخن از تحولاتی می‌گوید که شامل چالش بین هنر سنتی/ کهن ایران و هنر معاصر ایران از دورهٔ مشروطه به بعد است. محمد مددپور نیز در باب فرهنگ و ادب بعد از مشروطه می‌نویسد: «وقتی امانات تاریخی- قومی، فاقد تفکر شده، دیگر فرهنگ (انسان) به صرف تمدن امانات تاریخی او به مجموعه‌ای از آداب و رسوم و عادات و تقالید منجمد که امروز روی هم رفته از آن‌ها به سنن تعبیر می‌شود، تبدیل خواهد شد» (مددپور، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

۱۳. Ontique

۱۴. یک نمونه صخره‌نگاری. در «سراب بهرام در منطقهٔ نورآباد ممسنی فارس قرار داشته و متعلق به دورهٔ ساسانی است (دادور و برازنده حسینی، ۱۳۹۲: ۴۱۷).

۱۵. یک قطعه از نگاره‌های کلیله و دمنه متعلق به مکتب (جلایریان)، محفوظ در یک آلبوم نقاشی کتابخانه دانشگاه استانبول (Istanbul Univarsity library, 1422: 98).

۱۶. کهن‌ترین قسمت اوستا که به زبان سروده است. قسمتی از ترجمهٔ منظوم آن به نام بهار و مزدیسنا، ظاهراً در ستایش شخصیت فرادست حکومتی بوده که لفظ«شیرین زبان» به هنر سخنوری و سروده‌خوانی و واژهٔ «آفرین» در معنی دعا، می‌تواند با مدیحه‌سرایی آیین بار مرتبط باشد (فره‌وشی، ۱۳۵۴: ۲۰).

۱۷. در هر سه دوره و حکومت‌های همزمان با این نظام‌ها در قرون چهارم، پنجم، ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری، آیین بار رونق داشته و مدیحه‌سرایی به مثابه یک کنش گفتاری منظوم، مطرح بوده است. نمونه عینیت کلامی تاریخی از دورهٔ غزنویان در اشعار مدحی فرخی سیستانی در ستایشی از سلطان محمود غزنوی موجود است (فرخی سیستانی، ۱۳۹۲: ۳۴و۳۳).

۱۸. یکی از معروف‌ترین شاعران مدیحه‌سرا در حکومت سامانیان، رودکی بوده که در مدح امیر سامانی، او را در جایگاه خاص و شهر بخارا، مقر حکومت امیر را مکان خاص، دانسته است (دولتشاه، ۱۳۸۵: ۵۶).

۱۹. اشعار مدحی دورهٔ صفاریان به طور پراکنده موجود است که در نمونه‌هایی –مشخصا- فرادست حکومتی دارای برترین جایگاه و افراد موجود در بارگاه او در پیوند مستقیم با این شخص قرار می‌گیرند (حاکمی، ۱۳۸۲: ۵۳).

۲۰. مدیحه‌سرای دورهٔ طاهری، فرادست را مایهٔ خیر و برکت تمامی هستی می‌داند (ناجی، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

فهرست منابع

• آفرین، فریده. (۱۳۹۰). خوانش واساز از نگاره بیرون درآوردن یوسف از چاه. *باغ نظر*، ۱۶(۸): ۶۴-۵۵.

• افهمی، رضا، جوانی، اصغر و مهرنیا، محمد. (۱۳۹۶). شاهنامه بزرگ، سندی بر گفتمان ایرانی‌گرایی ایلخانان. *باغ نظر*، ۱۴ (۵۴) : ۶۴-۵۷.

• الیاده، میرچا. (۱۳۷۹). *دین پژوهی*. ت : بهاءالدین خرمشاهی. جلد دوم. چاپ سوم. تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (سمت).

• الیاده، میرچا. (۱۳۸۸). *اسطوره و آیین از روزگار باستان تا امروز*. ت : ابوالقاسم اسماعیل‌پور. چاپ پنجم. تهران : اسطوره.

• الیاده، میرچا. (۱۳۸۹). *رساله در تاریخ ادیان*. ت : جلال ستاری. چاپ اول. تهران : سروش.

• انوشه، حسن. (۱۳۷۵). *دانشنامه ادب فارسی*. تهران : طبع و نشر.

• باسورث، ادموند کلیفورد. (۱۳۶۴). *تاریخ غزنویان*. ت : حسن انوشه. چاپ اول. تهران : امیرکبیر.

• برایان، پی‌یر. (۱۳۷۷). *تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر*. ت : مهدی سمسار. چاپ اول. تهران : زریاب.

• بنی سلیم، محمد. (۱۳۸۷). جلوه‌های پیوستگی در تمدن و فرهنگ ایران. *نشریه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، ۴ (۱۵) : ۳۰-۹.

• بهار، مهرداد. (۱۳۷۴). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران : فکر روز.

• بیتس، دانیل. (۱۳۸۹). *انسان شناسی فرهنگی*. ت : محسن ثلاثی. چاپ دوم. تهران : علمی.

• پویان، مجید و مسیبی، راشین. (۱۳۹۲). ویژگی‌های فکری شعر مدحی در عصر غزنوی. *نشریه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ۶ (۱) : ۹۲-۷۵.

• جاحظ، ابو عثمان عمر بن بحر. (۱۳۹۲). *التاج، اخلاق الملوک فی امور الریاسه*. ت : حبیب اله نوبخت. چاپ دوم. تهران : تابان.

• جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*. جلد اول. چاپ اول. تهران : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

• حاکمی، اسماعیل. (۱۳۸۲). *آیین فتوت و جوانمردی*. تهران : اساطیر.

• حسینی دهشیری، افضل و اسلامی، ادریس. (۱۳۹۱). آیین زرتشت و دلالت‌های تربیتی آن براساس متن گات‌ها. *نشریه مبانی تعلیم و تربیت*، ۲ (۱) : ۱۴۶-۱۲۷.

• حقدار، علی اصغر. (۱۳۸۲). *داریوش شایگان و بحران معنویت سنتی*. تهران : کویر.

• خاتمی، محمود. (۱۳۹۰). *پیش درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی*. چاپ دوم. تهران : متن.

• دادور، ابوالقاسم و برازنده حسینی، مهتاب. (۱۳۹۲). *هم‌بودی دین و هنر در ایران باستان*. چاپ اول. تهران : گستره.

• دولتشاه، دولتشاه بن بختیشاه. (۱۳۸۵). *تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی*. تصحیح : فاطمه علاقه. تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (سمت).

• دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران : دانشگاه تهران.

• دیاکونوف، ایگور میخاییلوویچ. (۱۳۴۵). *تاریخ ماد*. ت : کریم کشاورز. چاپ اول. تهران : پیام.

• رجبی، پرویز. (۱۳۵۲). *کریم خان زند و زمان او*. تهران : امیرکبیر.

• رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). *انواع ادبی و آثار آن در ادبیات فارسی*. چاپ اول. مشهد.: آستان قدس رضوی.

• ستوده، حسین‌علی. (۱۳۵۲). *تاریخ آل مظفر*. تهران : دانشگاه تهران.

• سجودی، فرزان. (۱۳۹۵). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران : علم.

• شانظری، علیرضا. (۱۳۸۷). شیبانی و لزوم تصحیح آثار وی. *نشریه آیینه میراث*، ۶ (۳) : ۳۸۹-۳۸۰.

• شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). *انواع ادبی*. تهران : سیمیا.

• شهزادی، رستم. (۱۳۸۳). *واژه‌نامه پازند*. تهران : فروهر.

• شهیدی، جعفر. (۱۳۹۱). تطور مدیحه‌سرایی در ادبیات فارسی. *نشریه گذشته و آینده ادب ایران*، (۱۲) : ۱۳۱-۱۰۱.

• طهماسبی، فریدون. (۱۳۸۹). تشیع در شعر شاعران ایرانی عصر صفوی. *فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*، ۲ (۵) : ۱۶۱-۱۳۹.

• عربشاهی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). *اسطوره، حماسه و تاریخ کیان در اوستا، متون پهلوی، فارسی و تازی*. سبزوار : امید مهر.

• علی‌محمدی اردکانی، جواد. (۱۳۹۲). *همگامی ادبیات و نقاشی قاجار*. چاپ اول. تهران : یساولی.

• فرخی سیستانی، علی بن جولوغ. (۱۳۹۲). *دیوان فرخی سیستانی*. به تصحیح علی عبدالرسولی. تهران : سنایی.

• فره‌وشی، بهرام. (۱۳۵۴). *فرهنگ پهلوی*. چاپ چهارم تهران : دانشگاه تهران.

• فکوهی، ناصر. (۱۳۷۷). مردم شناسی هنر چیست. *کتاب ماه هنر*، ۱(۳۵،۳۶) : ۲۲-۱۹.

• فلاحی، کتایون. (۱۳۹۰). مدیحه‌سرایی اصفهانیان عربی‌سرای در عصر عباسی. *نشریه پژوهش ادبی*، ۶ (۲۲) : ۱۳۹-۱۲۱.

• قدیانی، عباس. (۱۳۸۴). *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان*. تهران : فرهنگ مکتوب.

• کاپلستون، فردریک چارلز. (۱۳۸۸). *واحد در ادیان*. ت : محمد یوسف ثانی. قم : دانشگاه ادیان و مذاهب.

• کالج، مالکوم. (۱۳۸۰). *اشکانیان/پارت‌ها*. ت : مسعود رجب‌نیا. چاپ اول. تهران : هیرمند.

• کامرون، جرج. (۱۳۶۵). *ایران در سپیده دم تاریخ*. ت : حسن انوشه. چاپ اول. تهران : علمی و فرهنگی.

• کخ، هایده ماری. (۱۳۷۸). *پژوهش‌های هخامنشی*. ت : امیر حسین شالچی. چاپ اول. تهران : آتیه.

• کریستن سن، آرتور امانوئل. (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ت : رشید یاسمی. چاپ اول. تهران : صدای معاصر.

• کنبی، شیلا. (۱۳۹۱). *نقاشی ایرانی*. ت : مهدی حسینی. تهران : دانشگاه هنر.

• گودرزی، کوروش، حسینی موخر، محسن و روزبه، محمدرضا. (۱۳۹۶). بررسی و تجلی تحلیل زمان و مکان اساطیری در عرفان. *نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، ۱۲ (۴۵) : ۲۴۸-۲۱۷.

• محجوب، محمد جعفر. (۱۳۷۸). *آفرین فردوسی/ سی قصه از شاهنامه*. تهران : مروارید.

• محسنیان‌راد، مهدی و باهنر، ناصر. (۱۳۹۰). هنجارهای مرتبط با مکان‌ها و زمان‌های مقدس در سه کتاب مقدس. *نشریهٔ الهیات تطبیقی*، ۲ (۵) : ۷۲-۳۵.

• محمدی ملایری، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی*. تهران : توس.

• مددپور، محمد. (۱۳۷۸). *سیر ادب و فرهنگ در ادوار تاریخی*. تهران : حوزه هنری.

• معین، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*. تهران : کتاب پارسه.

• مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۸۸). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. ت : مهشید میر فخرایی. چاپ چهارم. تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (سمت).

• موسوی کوهپر، مهدی و یسن‌زاده، حمیده. (۱۳۹۰). بازتاب نمادین ایزدمهر بر ظروف مدالیون ساسانی (با تکیه بر اسطوره گیاه زاینده). *نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱ (۲) : ۱۸۳-۱۶۳.

• ناجی، محمدرضا. (۱۳۸۴). *سرگذشت طاهریان (براساس کتاب تاریخ طبری اثر ابوجعفر محمدبن حریرطبری ... و کتاب بغداد اثر ابوالفضل احمدبن ابی‌طاهر طیفور)*. تهران : اهل قلم.

• نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت/ نظریه‌ها و کاربردها*. تهران : سخن.

• نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۱). *انسان، نشانه، فرهنگ*. تهران : افکار زبان.

• نکونام، جواد و نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۶). مطالعه زبان و بیان

در پیکره سفالین طغرل‌بیگ سلجوقی با رویکرد بینامتنیتی. *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۲۲(۲) : ۵۴-۴۵.

• وزین‌پور، نادر. (۱۳۷۴). *مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی: بررسی انتقادی و تحلیلی از علل مدیحه‌سرایی شاعران ایرانی*. تهران : مهارت.

• وشمگیر بن آل‌زیار، عنصر المعالی کیکاوس. (۱۳۹۰). *قابوسنامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران : علمی و فرهنگی.

• هینلز، جان. (۱۳۹۱). *شناخت اساطیر ایران*. ت : ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چاپ هفدهم. تهران : نشر چشمه.

• Istanbul University library. (1422). *Early Persian Painting: Kalila & Dimna: Borzuye Returned from India before Khusrau Anoushirvan*. University of Itanbul.

• Kristeva, J. (1980). *Desire in Language: A Semiotics Approach to Literature & Art*. ed. L.S. Roudiez. University of Oxford. Oxford: Basil Blackwell.

• Nichols, Jr. S. (1969). Roland Barthes, Contemporary Literature. *Journals division*, 10 (1): 145-146.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوه ارجاع به این مقاله

ستاری نجف‌آبادی، نسرین، پیراوی ونک ، مرضیه، طباطبایی جبلی، زهره و جوکار، جلیل. (۱۳۹۷). خوانش وجه استعلا و چاپلوسی در بازتاب تصویری دو اثر منسوب به مدیحه‌سرایی آیین بار فرهنگ ایران. باغ نظر، ۱۵ (۶۹) : ۲۸-۱۹.

DOI: 10.22034/bagh.2019.82305
URL: http://www.bagh-sj.com/article_82305.html